نگاه‌بیرون

تاثیر قبیله و سیاست بر یمن

● یمن عرصه قطب‌بندی‌های شدیدی شده است که به اشکال گوناگون، خود را نشان می‌دهد. شاید یکی از مهم‌ترین آنها، سنگربندی‌های فرهنگی باشد که روزبه‌روز در این کشور توسعه پیدا می‌کند. این پدیده عرصه فرهنگی یمن را به جزایر ازهم‌جداگانه‌ای تبدیل کرده است که مسایل سیاسی و فکری و مذهبی بین آنها فاصله انداخته است. در فاصله همین مرزهاست که استعداد ده‌ها نفر از جوانان این کشور کشته شده یا نادیده گرفته می‌شود. جوانان در مجموع زیر بار فشارهای سیاسی و قبایلی یمن به یک‌نوع رخوت فرهنگی دچار شده و از نوآوری در عرصه‌های هنری و فرهنگی دیگری خبری نیست و اگر هم باشد، تنها به‌دلیل سودهای آنی است.

«حیدر غیلان» استاد ادبیات و نقد در دانشکده زبان‌های دانشگاه صنعا در این‌باره به انواع رخوت‌های فرهنگی در یمن اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مساله آنچنان زیاد شده که چیزی نمانده به‌کلی سرچشمه‌های فرهنگی جامعه را کور کند» و این در حالی است که به‌گفته این استاد ادبیات، نهادهای زیادی خود را به‌صورت رسمی و غیررسمی متولی فرهنگ معرفی کرده و دم از فعالیت‌های ادبی فراوان می‌زنند. غیلان در اظهاراتی به الجزیره می‌گوید این رخوت فرهنگی، جلو هرگونه تحرک و نوآوری را گرفته است. به‌گفته او، این مساله در سایر کشورهای عرب نیز قابل مشاهده است. یکی از بارزترین نمونه‌های آن را می‌توان در عرصه‌های فرهنگی مصر مشاهده کرد. این کارشناس یمنی رد نمی‌کند که رخوت کنونی دارای ابعاد پیچیده و متعددی از جمله ابعاد سیاسی و مذهبی است؛ اما یکی از نمادهای برجسته این وضعیت را اسامی متعددی می‌داند که به‌دلایل سودجویانه یا مادی یا داشتن روابط شخصی با صاحبان قدرت یا ثروت مطرح می‌شوند و فضا را پر می‌کنند، حال آنکه اسامی افراد حقیقی در سایه مانده و به‌دلیل استقلال‌شان از دوایر قدرت به حاشیه رانده می‌شوند.

قبیله‌گرایی فرهنگی

«حارث‌بن‌الفضل»، عضو اتحادیه نویسندگان و شعرای یمن معتقد است این رخوت به‌معنای عام آن، بسیاری از جوانب حیات فرهنگی جامعه را تخریب کرده است. در سایه این ویرانی است که دوباره فرهنگ قبایلی و مذهبی یا افکار تحمیلی از سوی سیاستمداران به میدان آمده است. حتی گاه رویکردهای منطقه‌ای و حزبی است که خط‌مشی‌های فرهنگی را تعیین کرده و با تاکیدکردن بر معیارهای «خودی» یا طرح مساله «اعتماد» به‌جای «شایستگی»، عرصه‌های فرهنگی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. حارث از این حیرت می‌کند که چرا نهادهای فرهنگی نخبه‌گرا دچار این رخوت شده‌اند. او در این‌باره مثالی زده و می‌گوید، بسیاری از مراکز فرهنگی نخبه‌گرا نیز دچار این رخوت فرهنگی شده‌اند.

ادامه از صفحه ۴

چالش‌های رییس جدید

نخست اینکه نه خود سازمان بورس و نه دولت در قیمت محصولات شرکت‌های بورسی دخالت نکنند و اگر دولت علاقه‌مند است روی برخی کالاها نظر داشته باشد باید در قالب‌های یارانه‌ای و نه دستوری به آن بپردازد. رییس جدید سازمان بورس می‌تواند شرایط بازار را برای دولت و تیم اقتصادی آن تشریح کند. در حال حاضر که در فصل بودجه به سر می‌بریم، سیاست‌های دولت نظیر بهره مالکانه شرکت‌های معدنی و افزایش قیمت محصولات پتروشیمی، نیازمند اصلاح است. افزایش قیمت محصولات پتروشیمی، توان رقابت در عرصه جهانی را سلب می‌کند و سبب کاهش درآمد شرکت‌ها می‌شود. مالیات بر ارزش افزوده نیز دچار انحراف جدی شده است. این عدد در بودجه سال ۹۴ به ۹درصد رسیده است. نگارنده در زمان مسوولیت خود، برای دفاع از اصل مالیات بر ارزش افزوده به مجلس رفتم اما امروز فلسفه وجودی آن تغییر کرده و دولت به دنبال آن است تا بخشی از کمبود منابع بودجه‌ای را از این طریق تامین کند. این امر بر بنگاه‌های اقتصادی که در بورس حاضر هستند، اثر می‌گذارد. عدم آزادسازی قیمت‌ها در بورس کالا نیز از چالش‌های رییس جدید است. قیمت در بورس کالا باید توسط «عرضه و تقاضا» تعیین شود نه اینکه دولت چنین کند. هر چند اخیرا قدم‌های اولیه در بورس کالا برداشته شده اما باید به صورت یک روند درآید. سیاست‌های انقباضی که دولت اتخاذ کرده شاید به لحاظ کاهش تورم قابل توجیه باشد اما در شرایطی که اقتصاد به طور کامل در «رکود» به سر می‌برد، شرایط بورس را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. بهتر است دولت به دنبال افزایش «پایه مالیاتی» و آن ۴۰درصد از اقتصاد باشد که مالیات نمی‌دهند نه اینکه از حقوق کارمندان برداشت شود. افزایش درآمد می‌تواند به ترغیب حضور افراد در بورس منتج شود.

دانش‌آموزان نجات‌یافته از حمله «طالبان» در «پیشاور»/عکس: AP

«طالبان» بیش از ۱۳۵ دانش‌آموز و معلم پاکستانی را کشتند

نیمکت‌های خونین

«کودکان غرق در خون در کلاس‌ها و راهرو مدرسه روی زمین افتاده بودند، گیج شده بودم، نفهمیدم چه شد، نقش زمین شدم... گلوله خورده بودم»؛ این حرف‌های یکی از شاهدان عینی است؛ «عبدالله جمال»، دانش‌آموز مدرسه‌ای در پاکستان که با دوستانش در حال آموزش کمک‌های اولیه بود مورد هجوم «طالبان» قرار گرفتند. به وقت محلی ساعت ۱۰ بود که پنج یا شش‌مهاجم «طالب» ملبس به یونیفرم پلیس پاکستان وارد مدرسه‌ای در «پیشاور» شدند و کلاس به کلاس، دانش‌آموزان و معلمان را گلوله‌باران کردند و عملیات‌های انتحاری هم پس از آن، فاجعه را تکمیل کرد؛ عملیاتی که پس از حدود پنج‌ساعت و با کشته‌شدن همه مهاجمان و بیش از ۱۳۵دانش‌آموز و کادر آموزشی به پایان رسید. نیروهای پلیس بعد از یک‌ساعت‌ونیم خود را به محل رساندند و با محاصره مدرسه تلاش کردند اوضاع را تحت‌کنترل بگیرند آنطور که مقامات پلیس پاکستان گفته‌اند، همه مهاجمان یا خود را منفجر کرده‌اند یا توسط پلیس کشته شده‌اند. عملیات، نفسگیر بود و آمار کشته‌شدگان لحظه‌به‌لحظه در حال افزایش. صدای چندین انفجار از داخل مدرسه، پدر و مادرهایی را که پشت در به انتظار نشسته بودند، بیش از پیش پریشان می‌کرد و هر آن ممکن بود یکی از آنها با گذشتن از نوار ایمنی خود را به دل خطر بیندازد؛ انفجارهایی که هراس افزایش آمار کشته‌شدگان را بیشتر می‌کند. گزارش‌ها می‌گویند از میان ۵۰۰دانش‌آموز و کادر آموزشی این مدرسه زیرنظر پلیس، بیش از ۱۳۵نفر کشته شده‌اند که حدود صدنفر از آنها کودک و نوجوان بوده‌اند. ده‌هانفر هم مجروح شده و با آمبولانس به بیمارستانی در همین شهر منتقل شده‌اند، حال بسیاری از آنها وخیم‌تر از آن است که امیدی به زنده‌ماندن آنها باشد. بیمارستان «لیدی ریدینگ» پیشاور مملو از صدای جیغ‌وفریاد کودکانی است که گلوله خورده‌اند، عمق فاجعه در این حد است که مسوولان این بیمارستان از مردم درخواست اهدای خون کرده‌اند. یکی از دانش‌آموزان مجروح از روی تخت بیمارستان، صحنه را اینگونه شرح داد: «به‌محض اینکه وارد سالن اجتماعات شدیم، تیراندازی شروع شد. معلم‌مان گفت در را ببندید. ما در را بستیم اما آنها آمدند و در را شکستند... همه‌مان زیر میز قایم شدیم اما آنها به پا و سرمان شلیک می‌کردند... بعد معلم‌مان را آتش زدند؛ معلم‌مان را آتش زدند اما هیچ‌کدام از ما نمی‌توانستیم از زیر میزهایمان بیرون بیایم چون هرکسی که بیرون می‌آمد کشته می‌شد.»مدرسه مورد حمله، از دوبخش ابتدایی و متوسطه تشکیل شده و گروهی از دانش‌آموزان در زمان حمله در سالن امتحان بودند. به گزارش رویترز، به‌نقل از شاهدان عینی، تروریست‌ها نخست بخشی از مدرسه ابتدایی را اشغال کرده بودند و پس از اشغال مدرسه توسط مردان مسلح، نیروهای ارتشی آنجا را محاصره کردند و درگیری شدیدی میان طرفین روی داد. بیشتر دانش‌آموزان این مدرسه، فرزندان مقامات ارتشی بوده‌اند و ظاهرا «طالبان» آنجا را برای همین انتخاب کرده بود. با این حال «محمد خراسانی»، سخنگوی «تحریک طالبان» پس از این عملیات به رسانه‌ها گفت که این حمله در واکنش به عملیات ارتش پاکستان علیه «طالبان» صورت گرفته اما قرار نبوده کودکان مورد حمله قرار بگیرند و مهاجمان دستور داشتند فقط به دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر شلیک کنند. براساس گزارش‌ها در عملیات اخیر ارتش پاکستان علیه پیکارجویان در «وزیرستان شمالی» و منطقه «خیبرپختونخوا» صدهانفر از اعضای «طالبان» کشته شده‌اند. حمله اخیر «طالبان» به این مدرسه واکنش‌های مقامات این کشور را به دنبال داشت. «نوازشریف»، نخست‌وزیر پاکستان با محکوم‌کردن این حمله، عاملان آن را به مجازات تهدید و سه‌روز عزای عمومی اعلام کرد. او ساعاتی پس از این حمله خود را به پیشاور رساند. «عمران‌خان»، رهبر حزب «انصاف تحریک پاکستان» نیز مانند رقیب سیاسی‌اش به پیشاور سفر کرد. عمران‌خان که کاپیتان سابق تیم‌ملی کریکت پاکستان بوده، بارها تاکید کرده که دولت پاکستان باید با «طالبان» وارد مذاکره شود. «ممنون حسین»، رییس‌جمهوری این کشور، «نارندرا مودی»، نخست‌وزیر هند و «اشرف غنی»، رییس‌جمهور افغانستان نیز این حمله را محکوم کردند. براساس گزارش‌ها «چودری علی‌خان»، وزیر کشور پاکستان هم به پیشاور رفته تا روند رسیدگی به این تهاجم را از نزدیک دنبال کند. «ملاله یوسف‌زی»، برنده جایزه صلح نوبل که خود پیش‌تر مورد حمله «طالبان» قرار گرفته بود نیز این حمله را محکوم کرد. حمله‌ای که نه اولین بوده و نه آخرین. روزی ملاله یوسف‌زی را مورد حمله قرار دادند و حالا ده‌ها ملاله یوسف‌زی را، حملات «طالبان» به کودکان و شور حیات کودکان پاکستانی پایان ندارد.

به خودمان مربوط است

«رجب طیب اردوغان»، رییس‌جمهوری ترکیه درمقابل انتقادهای «اتحادیه اروپا» در رابطه با دستگیری روزنامه‌نگاران، واکنش شدیدی نشان داد و گفت: «این مساله، به مقام‌های این اتحادیه ربطی ندارد و بازداشت روزنامه‌نگاران مغایر با اصل آزادی مطبوعات نیست.» (دویچه‌وله)

گول افراطی‌ها را نخورید

«آنگلا مرکل،» صدراعظم آلمان به آلمانی‌ها هشدار داد تا فریب سخنان راست‌های افراطی را نخورند. گروهی موسوم به «اروپایی‌های میهن‌پرست علیه اسلامی‌شدن غرب» هرهفته راهپیمایی‌هایی را در شهر درسدن برگزار می‌کند. (آسوشیتدپرس)

پیشنهاد حماس را نپذیرفتیم

«بشار اسد»، رییس‌جمهور سوریه در حاشیه سومین کنفرانس روسای اتباع فلسطینی در اروپا گفت: ««حماس» می‌خواست میان سوریه و «اخوان‌المسلمین» میانجیگری کند، اما دمشق نپذیرفت. ما در مراحل مختلف اتفاق‌نظرها و اختلاف‌نظرهایی داشته‌ایم.» (فلسطین‌پرس)

خبر

پیشروی «النصره» در سوریه

● جبهه «النصره» پس از تسلط بر دو پادگان مهم وابسته به نیروهای «بشار اسد»، رییس‌جمهور سوریه در «ریف» جنوبی در استان «ادلب» توانست این منطقه را به «ریف» شمالی متصل کند. در حقیقت این گروه تروریستی به دنبال رقابت با گروه تروریستی «داعش» است و می‌خواهد همزمان با کنترل مناطق شرق حلب، در غرب این شهر نیز مستقر شود. به گزارش الشرق‌الاوسط، جبهه النصره با مشارکت اعضای تندروی خود توانسته تاکنون کنترل دو پادگان نظامی مهم؛ یعنی «الحامدیه» و «وادی الضیف» را به دست گیرد و علاوه‌بر آن چهار روستا از جمله روستای «الفوعه» که بیشتر ساکنان آن شیعه هستند را تحت کنترل خود درآورد. جبهه النصره نیز پس از به‌دست‌گرفتن کنترل دو منطقه وادی الضیف و الحامدیه اعلام کرد که رهبر آن اولین کسی است که به این پادگان رسیده است. این جبهه در حساب کاربری توییتر خود نوشت با داشتن بیش از ۸۰۰ عضو می‌تواند در آینده کنترل مناطق دیگر را در دست بگیرد. طبق این گزارش، افراد مسلح با هواپیماهای بدون سرنشین و تانک‌ها و موشک‌های تاو آمریکایی دو منطقه نظامی «وادی الضیف» و «الحامدیه» را هدف قرار داده و توانستند ۱۵نیروی نظامی را اسیر کنند.

بازگشت ناآرامی‌ها به جنوب یمن

● جدایی‌طلبان جنوب یمن با درخواست برای جدایی از شمال دست به نافرمانی مدنی زدند و به‌دنبال درگیری جدایی‌طلبان با نیروهای امنیتی یکی از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله این نیروها کشته شد. به گزارش الشرق‌الاوسط، جمع کثیری از جدایی‌طلبان جنوب یمن در استان‌های «عدن»، «حضرموت» و دیگر استان‌های جنوب با درخواست برای جدایی جنوب از شمال آن دست به نافرمانی مدنی زدند و مدارس، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌ها و برخی اماکن دولتی را تعطیل کردند، طوری که خیابان‌های این شهرها تقریبا خالی از مردم شد. همچنین رهبران حزب «کنگره سراسری مردمی» یمن در استان‌های جنوب نشست‌های خود را برای کنارگذاشتن «علی عبدالله صالح» رییس‌جمهور سابق یمن از ریاست این حزب و تلاش برای تشکیل «حزب کنگره مردمی جنوب» به ریاست «عبد ربه منصور هادی» رییس‌جمهور یمن ادامه می‌دهند.

ماهیت خطرات تهدیدکننده خبرنگاران تغییر کرده است

جهانی خشن‌تر؛ در کمین روزنامه‌نگاران

حتی اگر پیش‌بینی وزیر خارجه عراق محقق شود و گروه تروریستی «داعش» تا دوسال آینده از بین برود، اما تا سال‌های طولانی تصویر بریده‌شدن سر «جیمز فولی» و «استیون ساتلاف» دوخبرنگار آمریکایی توسط این گروه تروریستی، از ذهن مردم جهان پاک نمی‌شود. اکنون نیز سازمان «گزارشگران بدون مرز» در گزارش سالانه خود تاکید می‌کند هرچند تعداد خبرنگاران کشته‌شده در سال جاری میلادی نسبت به سال۲۰۱۳ کاهش یافته است، اما مرگ دلخراش «فولی» و «ساتلاف»، حکایت از رخدادی دیگری دارد؛ خبرنگاران در جهان با تهدیدهای جدید و وحشیانه‌تری روبه‌رو هستند و ماهیت کشته‌شدن برخی از آنان بر شدت نگرانی‌ها افزوده است. به گزارش خبرگزاری «رویترز»، این سازمان که مقرش در پاریس واقع شده در گزارش سال۲۰۱۴ خود آورده است، بسیار کم پیش آمده بود که خبرنگاری در چنین صحنه تبلیغاتی وحشیانه‌ای کشته شود؛ آنچه تمام جهان را در حیرت فرو برد. با این همه تعداد خبرنگارانی که در سال‌جاری میلادی کشته شده‌اند در مقایسه با سال گذشته کمی کاهش داشته است. در سال۲۰۱۳میلادی، ۷۱خبرنگار جان خود را از دست دادند و اکنون این رقم به ۶۶نفر رسیده است. به گفته «گزارشگران بدون مرز»، این کاهش در شمار قربانیان به کاهش قربانیان در «کشورهایی که در صلح به‌سر می‌برند»، بازمی‌گردد مانند هند و فیلیپین. اما تعداد زنان روزنامه‌نگار کشته‌شده در سال جاری به شش‌نفر رسیده است که نسبت به سال گذشته دوبرابر شده است. با این‌همه شمار ربودن خبرنگاران در مقایسه با سال گذشته میلادی ۳۷درصد رشد داشته است. در این میان از مجموع ۱۱۹ خبرنگار، ۳۳نفر در اوکراین، ۲۹نفر در لیبی و ۲۷نفر در سوریه ربوده شده‌اند. از اصلی‌ترین دلایل این افزایش می‌توان به حمله داعش به عراق و سوریه، درگیری بین گروه‌های شبه‌نظامی در لیبی و ادامه نقض آتش‌بس در اوکراین اشاره کرد. همچنین طبق این گزارش می‌توان گفت ۹۰درصد این خبرنگاران را گزارشگران محلی تشکیل می‌دهند که عمدتا در خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت می‌کردند و همچنان ۴۰نفر از آنان در اسارت به‌سر می‌برند. طبق این گزارش، ۲۲نفر توسط گروه‌های مستقر در سوریه گروگان گرفته شده‌اند که ۱۶نفر از آنان سوری هستند. همچنین هشت‌خبرنگار محلی در عراق نیز اسیر گروه‌های تروریستی در این کشور هستند.

در این گزارش همچنین تاکید شده وضعیت آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در سال۲۰۱۴میلادی به هیچ‌وجه بهتر نشده و شمار خبرنگاران و شهروند خبرنگارانی که به خارج از کشور خود گریخته‌اند نیز بیش از دوبرابر شده است. در سال۲۰۱۴میلادی، ۱۳۹خبرنگار و ۲۰شهروند خبرنگار به‌دلیل تهدید، خشونت یا فشار حکومتی از کشور خود خارج شده‌اند. به گفته «گزارشگران بدون مرز»، تا هشتم «دسامبر»، ۱۷۸روزنامه‌نگار حرفه‌ای در زندان بوده‌اند که در این میان، چین با ۳۳روزنامه‌نگار و اریتره با ۲۸روزنامه‌نگار زندانی در صدر فهرست جای گرفته‌اند. در این گزارش به نام «خدیجه اسماعیلوا»، خبرنگار بخش آذربایجانی رادیو «اروپای آزاد» نیز اشاره شده و بر جمهوری‌آذربایجان نام «بزرگ‌ترین زندان کارکنان رسانه‌ها در اروپا، در حال حاضر» نهاده شده است. این سازمان در گزارش خود، نام چندروزنامه‌نگار را برجسته کرده که از جمله آنان می‌توان به «رائف بداوی»، شهروند خبرنگار سعودی اشاره کرد که به اتهام «توهین به اسلام» به ۱۰سال زندان و هزارضربه شلاق محکوم شده است.

خشونت رعب‌انگیز علیه خبرنگاران

«آستراید فرولوف»، سخنگوی هیات‌مدیره «گزارشگران بدون مرز» می‌گوید آمار بالای خبرنگاران کشته‌شده و خبرنگارانی که از کشور خود فرار کرده‌اند، نشان می‌دهد خطرات فعالیت رسانه‌ای در سراسر جهان به هیچ‌وجه کمتر نشده است. به گزارش «دویچه‌وله»، او بر این باور است که در برخی از مناطق با کیفیت تازه‌ای از خشونت علیه خبرنگاران مواجه هستیم که وحشت‌برانگیز است. به‌عنوان مثال صحنه‌سازی تاثیرگذار رسانه‌ای بریدن سر (خبرنگاران) توسط تروریست‌های داعش یا حملات گسترده به خبرنگاران در برخی از کشورها حکایت از نگرش غیرانسانی و تحقیر شدید آزادی مطبوعات و رسانه‌ها (در این کشورها) دارد. سخنگوی هیات‌مدیره «گزارشگران بدون مرز» با اشاره به اینکه «خبرنگاران نباید تبدیل به ابزاری برای تبلیغات گروه‌های تروریستی، تبهکاران یا حکومت‌های اقتداگرا شوند»، تاکید کرد: «دقیقا در این مناطق بحرانی باید موثرتر از پیش از خبرنگاران حفاظت کرد.» براساس گزارش این سازمان، خطرناک‌ترین کشور جهان برای خبرنگاران در سال۲۰۱۴میلادی، مانند سال پیش از آن، سوریه بوده است. تنها در این کشور ۱۵خبرنگار حرفه‌ای و ۱۷شهروند خبرنگار کشته و ۲۷فعال رسانه‌ای نیز ربوده شدند. در شمار خطرناک‌ترین کشورهای جهان نیز مانند سال پیش از آن، سرزمین‌های فلسطین به ویژه نوارغزه، شرق اوکراین، عراق، لیبی و لبنان ذکر شده‌اند. در گزارش این سازمان همچنین به بُعد جدیدی از فعالیت‌های رسانه‌ای پرداخته شده و آمده است شهروندان خبرنگار در بسیاری از کشورهای دنیا به کمک شبکه‌های اجتماعی جایی را پر می‌کنند که به‌دلیل فشار حکومتی یا خودسانسوری در گزارش‌رسانی رسانه‌های سنتی خالی مانده است.